

مروری بر کارنامه بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

می‌گرفت، سوق داد. هرچند این اقدام با همه پیش‌بینی‌هایی که شده بود، نگرانی‌هایی را هم دربر داشت؛ چرا که برپایی چادرهایی با دهانه عریض با وجود باد و باران بهاری کار را دشوار می‌نمود. اما به هر حال تدبیر مجریان و چند بار بارش باران و وزش بادهای تند در حین برپایی این سازه‌ها فرصتی پیش آورد تا سازندگان این سالن‌ها برای انواع احتمالات چاره‌اندیشی کنند. حضور مکرر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی حین آماده‌سازی چادرها و غرفه‌ها همچنین حضور تمام وقت معاون فرهنگی ایشان، نشان از اهتمام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای برپایی نمایشگاهی با بیشترین امکانات رفاهی و کمترین دغدغه داشت. اما در کنار همه نگرانی‌ها استفاده از این فن‌آوری موجب شد تا فضای غرفه‌ها افزایش یابد و طبعاً مدیران اجرایی نمایشگاه در واگذاری غرفه‌ها سخاوت بیشتری نشان دهند. به هر حال با اتمام استقرار سازه‌های جدید و غرفه‌سازی هزار و ۱۲۹۹ ناشر داخلی و ۹۸۰ ناشر خارجی از ۸۰ کشور جهان که از میان آنها ۲۰۰ ناشر برای اولین بار در نمایشگاه شرکت می‌کردند در محل‌های پیش‌بینی شده استقرار یافتند و شرایط برای افتتاح بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با شعار «کتاب، برای همه» و حضور مشتاقان نمایشگاه از ساعت ۱۰ صبح تا ۸ شب مهیا شد.



**نمایشگاه بین‌المللی
کتاب تهران به مثابه
میعادگاه سالانه
ناشران، مؤلفان،
مترجمان و مخاطبان
آنها، بیست و سومین
سالگرد تولد خویش
را جشن گرفت**

افتتاح بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

ساعت ۴ بعد از ظهر روز سه شنبه سیزدهم اردیبهشت ماه، مراسم افتتاحیه آغاز شد. در این مراسم که رئیس دفتر مقام معظم رهبری، معاون اول رئیس جمهور، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تعدادی از وزرا و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، استاندار تهران و جمعی از نمایندگان سیاسی و فرهنگی کشورهای خارجی در تهران حضور داشتند، به ترتیب آقایان دکتر پرویز، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و دکتر رحیمی معاون اول رئیس جمهور در باره این نمایشگاه و موضوعات مرتبط با کتاب و کتاب‌خوانی و اقتصاد نشر سخن گفتند. ابتدا دکتر پرویز معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنانی ضمن ارائه برخی آمارها از دو مشکل اساسی نشر یعنی فرسودگی امکانات چاپ و مشکل توزیع و در دسترس بودن کتاب یاد کرد و از دولت خواست برای حل این مشکلات وارد عمل شود. پس از او دکتر حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به

بار دیگر مصالای تهران برای برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب آماده می‌شود

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به مثابه میعادگاه سالانه ناشران، مؤلفان، مترجمان و مخاطبان آنها، بیست و سومین سالگرد تولد خویش را جشن گرفت. امسال اما وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای برگزاری بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با چالشی جدید روبه‌رو بود. کار تکمیل بنای مصالای از سال قبل آغاز شد و دو منطقه حساس نمایشگاهی که در سه دوره قبل مورد استفاده قرار گرفته بود به دلیل عملیات ساختمانی از مدار استفاده نمایشگاه بیست و سوم خارج شده بود. ولی به هر حال گزینه دیگری نبود و علیرغم کاستی‌های پیشین و نو، نمایشگاه باید همچنان در مصالای تهران برگزار می‌شد و با این مشکل جدید هم کنار می‌آمد. رایزنی‌ها و بررسی‌های مختلف سرانجام مدیران اجرایی نمایشگاه را به استفاده از سازه‌های موقتی که فن‌آوری بخشی از آنها برای نخستین بار در کشورمان مورد استفاده قرار



**یکی از خدماتی
که برای راحتی
بازدیدکنندگان
و جلوگیری از
سردرگمی آنها،
همه ساله از سوی
مسئولان نمایشگاه
پیش‌بینی و اجرا
می‌شود بحث
اطلاع‌رسانی است**

خوبی داشت. متروی تهران که بدون دغدغه از چراغ قرمز تقاطع خیابان‌ها در اعماق زمین مخاطبین نمایشگاه را به ایستگاه‌های جنوبی و شمالی مصلای رساند در این ایام فاصله حرکت قطارها را به پنج دقیقه کاهش داده بود. در این میان حضور خانواده‌هایی که دسته‌جمعی به نمایشگاه می‌آمدند جلوه خاصی داشت و نمایشگاه را به بوستانی شبیه می‌کرد که درختانش غرفه‌های کتاب و شکوفه‌هایش کتاب‌هایی بودند که چشم بازدیدکنندگان را نوازش می‌داد و هرکس بسته به ذوق خود به سوی کتابی می‌رفت تا مشام خود را به عطر آن بیاراید. همه چیز به خوبی پیش می‌رفت؛ اما در این میان برخی هنجارشکنی‌ها از سوی کسانی که اخلاق و فرهنگ را بر نمی‌تابیدند دل فرهنگ دوستانی را که به این فضای مقدس قدم گذاشته بودند، می‌آزرد.

تصمیمات مهمی که در نمایشگاه به اجرا درآمد:

- بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۱۴ تا ۲۵ اردیبهشت از ساعت ۱۰ صبح تا ۸ شب در مصلای تهران برپا بود. - یکی از خدماتی که برای راحتی بازدیدکنندگان و جلوگیری از سردرگمی آنها، همه ساله از سوی مسئولان نمایشگاه پیش‌بینی و اجرا می‌شود بحث اطلاع‌رسانی است. اطلاع‌رسانی بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سه بخش عمده برنامه‌ریزی و اجرا شد. بخش اول مربوط به اطلاع‌رسانی کتاب‌ها و ناشران شرکت‌کننده در نمایشگاه است که تعداد ۱۰۴ نفر در هفت ایستگاه با استفاده از رایانه، اطلاعات کتاب‌های حاضر در نمایشگاه و نیز محل استقرار ناشران را در اختیار مراجعان قرار می‌دادند. بخش دوم مربوط به اطلاع‌رسانی محیطی بود که وظیفه

نقش کتاب در فرهنگ و تمدن ایرانی پرداخت و گفت: «متأسفانه امروز مطبوعات شاهد بازاریست و کتاب تبدیل به پرده‌نشین شده است.» و به مطبوعات توصیه کرد «بهتر است به جای پرداختن به امور بی‌اهمیت، به فرهنگ کتابخوانی بپردازند و خودشان نیز از این مهم بهره بگیرند». در انتها نیز دکتر رحیمی، معاون اول رئیس‌جمهور ضمن تأکید بر ضرورت جدی گرفتن کتابخوانی در راستای ارتقای علمی کشور از دانشگاه‌ها خواست «فضای آموزش عالی را از جزوه محوری به فضای محوریت کتاب پیش ببرند». وی همچنین در سخنان خود از تشکیل کارگروه کتاب در دولت در آینده‌ای نزدیک با هدف ساماندهی مطلوب فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه کتاب خبر داد. خبری که ساعتی بعد به مصوبه‌ای در جلسه هیئت دولت تبدیل شد و گروهی با عضویت سه تن از اعضای هیئت دولت به همراه دوتن از صاحب‌نظران این حوزه به این منظور انتخاب شدند.

هرچند از همان بعد از ظهر روز افتتاح برخی مشتاقان خرید کتاب راهی نمایشگاه شده بودند اما از اولین ساعات صبح فردای افتتاح، حضور چشمگیر بازدیدکنندگان از نمایشگاه و خریداران کتاب آغاز شد. این حضور روز به روز گسترده‌تر شد تا جایی که آمارگران جمعیت بازدیدکننده امسال را پنج و نیم میلیون نفر اعلام کردند. اطلاع‌رسانی رسانه‌ها به ویژه شبکه‌های مختلف صدا و سیما که در جای‌جای نمایشگاه ایستگاه‌هایی برپا کرده بودند و خبرنگاران خود را در میان جمعیت بازدیدکننده به دنبال شکار مسئولان و چهره‌های فرهنگی می‌فرستادند تا به غرفه‌شان بروند و دقایقی از طریق آن شبکه که عمدتاً پخش مستقیم داشتند با مردم سخن بگویند نیز در ایجاد اشتیاق برای مراجعه به نمایشگاه تأثیر

**به دستور رییس
جمهور دانشجویان
و اعضای هیئت
علمی دانشگاهها
و مراکز آموزش
عالی در نمایشگاه
امسال از تسهیلات
ویژه‌های برخوردارند
و بن‌هایی به آنان
تعلق گرفته است**



این گروه توزیع نقشه در میان مردم و کمک به جانمایی بخش‌های مختلف نمایشگاه بود؛ در این بخش تعداد ۳۲ نفر در ۱۳ ایستگاه به ارائه خدمت مشغول بودند. بخش سوم مربوط به اطلاع‌رسانی در سالن‌ها بود، این بخش با توجه به بزرگی سالن‌های نمایشگاه - به‌ویژه سالن شبستان - در میان بازدیدکنندگان از بیشترین استقبال برخوردار بود و مردم زیادی در سالن‌ها برای جایابی ناشران به این ایستگاه‌ها مراجعه می‌کردند؛ در این بخش ۱۶ ایستگاه پیش‌بینی شده بود که تعداد ۴۰ نفر در آنها به اطلاع‌رسانی مشغول بودند و امسال برای اولین بار در این ایستگاه‌ها کامپیوتر مستقر شده بود. در یازده روز نمایشگاه کتاب، در مجموع تعداد ۷۳۹ هزار و ۱۵۴ مورد جستجوی اطلاعات در بخش اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، ۴۹۷ هزار و ۴۳۸ مورد راهنمایی در بخش اطلاع‌رسانی سالنی و ۶۶۴ هزار و ۸۳۰ مورد در بخش اطلاع‌رسانی محیطی صورت گرفته است و تعداد بالغ بر ۷۰۰ هزار برگ نقشه توزیع شده بود. بیشترین میزان مراجعه به بخش‌های مختلف اطلاع‌رسانی (رایانه‌ای، محیطی و سالنی) مربوط به روز جمعه ۸۹/۲/۲۴ با ۳۱۶ هزار ۲۲ مورد بوده است. اطلاع‌رسانی نمایشگاه کتاب در ۱۰ سال گذشته از سوی مؤسسه خانه کتاب برنامه‌ریزی و اجرا شده است.

- ناشران خارجی از ۸۰ کشور به نمایشگاه آمدند و بیش

از ۵۰ میلیون دلار کتاب به این محل آوردند.

- همه ناشران در این نمایشگاه، کتاب‌های خود را با حداقل ۱۰ درصد تخفیف عرضه می‌کنند و برخی ناشران، مبلغ بیشتری تخفیف برای کتاب‌های خود در نظر گرفته‌اند.

- به دستور رییس جمهور دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در نمایشگاه امسال از تسهیلات ویژه‌ای برخوردارند و بن‌هایی به آنان تعلق گرفته است.

- معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای نخستین بار به منظور فراهم کردن تسهیلات مناسب برای دانشجویان اقدام به طراحی سامانه ثبت نام برخط (آنلاین) کارت یارانه‌ای خرید کتاب به نشانی www.tibf.net کرد. دانشجویان از این طریق مبلغ ۲۰ هزار ریال به حساب اعلام‌شده واریز می‌کردند تا در مقابل دو برابر آن را به‌صورت بن خرید کتاب از بانک صادرات مستقر در نمایشگاه دریافت کنند.

- توزیع بن الکترونیکی کتاب ویژه دانشجویان در روزهای برگزاری نمایشگاه کتاب نیز بدون هیچ محدودیتی ادامه یافت.

- تعداد دستگاه‌های پایانه فروش در سال گذشته ۲ هزار مورد بوده است که امسال به ۳ هزار عدد افزایش یافته است.

- در نمایشگاه امسال ۳۶ هزار کارت یارانه ای خرید کتاب خارجی توزیع شد.

- برای نخستین بار در نمایشگاه کتاب تهران طرح «کتاب گشت» با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجرا شد. در این طرح کتاب‌هایی با موضوع ادبیات دفاع مقدس و کتاب‌های برگزیده سال به صورت امانت در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. دانش‌آموزان با خواندن کتاب و پاسخگویی به سئوالات «کتابچه کارآفرین» در انتخاب دانش‌آموزان برتر شرکت می‌کنند.

حضور و نظر

نمایشگاه کتاب امسال شاهد حضور برخی مقامات بلندپایه سیاسی و فرهنگی کشور بود که مهم‌ترین و خاطره‌انگیزترین آنها بازدید رهبر معظم انقلاب از برخی غرفه‌ها و گفتگوی گرم و صمیمانه ایشان با غرفه‌داران بود.

رهبر معظم انقلاب، صبح روز چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت با حضور در نمایشگاه بیست و سوم و بازدید از بخش‌های مختلف آن، از نزدیک عملکرد و نحوه برگزاری این نمایشگاه را مورد بررسی قرار دادند. در بازدید دقیق و موشکافانه و گفتگوی صمیمی رهبر فرزانه انقلاب از غرفه‌های مستقر در راهروهای ۱۲ تا ۱۶ شبستان ظرائفی نهفته بود که گزیده‌ای از آن را به نقل از پایگاه خبری تحلیلی عصر ایران به روایت از پایگاه اطلاع‌رسانی معظم له نقل می‌کنیم:

پنج راهرو را با پانل از بقیه نمایشگاه برای بازدید رهبر جدا کرده بودند و طبعاً این پنج راهرو بی‌مشتری بود. از سر شیطنت سراغ پسری رفتم که در غرفه «تورنگ» نشسته بود و پرسیدم حس بی‌مشتری بودن چطور است؟ ناراحت نیستی بقیه دارند

می‌فروشند شما از صبح نشستی بی‌مشتری؟ جوان جواب داد: اتفاقاً خوشحال هم هستیم. امسال هم اگر آقا بیان غرفه‌ها، ۴ سال است که ایشان را می‌بینیم. خودش زود تصحیح کرد که: البته پارسال که نیامدند، سومین بار است که می‌بینمشان... شانس خوب ماست... برای فروش هم بی‌خیال یک روز، البته یک روز که نیست، یک صبح تا ظهر است... جبران می‌شه، برکتش می‌یاد، روزی دست خداست آقا! از جوان و صحبتش درباره برکت و روزی خوشم می‌آید. می‌پرسم: تا حالا به آقا کتاب دادی؟

- ۲ بار تا حالا کتاب دادم.
- به نظرت می‌خواند؟
- حتما!

- از کجا میدانی؟
- می‌دانم دیگر... راستی من چغیۀ آقا را هم گرفتم.
- بابا تو خیلی حرفه‌ای هستی!

غرفه‌دار نشر «پیکان» هم در جواب این سؤالم گفت: ۱۱ روز نمایشگاه است، یک روز به جایی بر نمی‌خورد. بعد از شنیده‌هایش گفت که رهبر اهل کتاب است و اضافه کرد: الحمدلله، شکر خدا. حس کردم این حمد و شکر از ته دلش می‌جوشد!

نمایندۀ غرفه «پیام کلیدر» که زنی مسن و سرزبان‌دار بود؛ احساساتی شده بود و داشت می‌پرسید واقعا آقا می‌آید... الان نمی‌دونم چه جوری می‌خوام ایشونو ببینم... از صبح به حال خودم نیستم... یعنی آقا غرفه‌های ما مستضعف‌ها هم می‌یاد؟

امامی گزارشگر صدا و سیما با اطمینان گفت: بله حتماً می‌یاد. زن ادامه داد: ان شاءالله... امروز چه روز خوبییه اگر آقا بیاد... برکت با خودشان می‌آورند برای ما... و این دومین نفری است که درباره برکت حرف می‌زند. انگار مردم مفهوم برکت را بهتر می‌فهمند تا مسئولان و اساتید اقتصاد خرد و کلان!

وزیر ارشاد را هم دیدم و سلام و علیکی کردیم. دکتر پرویز معاون فرهنگی وزیر من را به او معرفی کرد. هرچند خود آقای حسینی مرا از جلسه ۱۵ فروردین مسئولین با رهبر به یاد داشت. وزیر و معاونش یک جورهایی میزبان رهبر بودند در این بازدید. رهبر ساعت حدود ۱۰ آمد و با یک صلوات استقبال شد.

به لطف حفاظت محافظ‌ها در فاصله‌ای هستیم که چیزی نمی‌شنویم، ولی به مدد چند سانت اضافه قدی که نسبت به محافظ دارم، می‌بینم رهبر کتابی را به آرامی ورق می‌زند و گاهی که با غرفه‌دار صحبت می‌کند، دستش را (که یک انگشتر زرد خوش‌رنگ در آن هست) مثل چوق الف می‌گذارد لای کتاب. وقتی رهبر نزدیک غرفه «پیام کلیدر» شد، آرام رفتم داخل غرفه تا رهبر را از روبه‌رو ببینم. امامی گزارش‌گر سیما هم داخل غرفه بود. دختر دیگری هم از غرفه‌ای دیگر آمده بود برای دیدن ایشان. رهبر که رسید به غرفه، زن با دست‌پاچگی گفت: سلام آقا جان، فدات بشم الهی و رهبر آرام و با لبخند جواب دادند: خدا نکنه.

- خیلی خوش آمدید.
- زنده باشید.

- قدم روی چشم ما گذاشتید... چقدر من خوشحالم... آقا می‌شه خواهش کنم چغیۀ‌تان...
- یک چغیۀ به من بدید...

رهبر در آن لحظه چغیۀ نداشت. یعنی غرفه‌دارها امان نمی‌دادند. یک نفر که همراه گروه می‌آمد چغیۀ‌ای به رهبر داد و رهبر چغیۀ را به لب‌هایش نزدیک کرد و چیزی خواند و داد به زن. دختر جوان هم که خودش را در غرفه جا کرده بود، چغیۀ‌ای گرفت و قرآنی داد به رهبر تا تبرکاً چیزی در آن بنویسند. رهبر نگاهی به دختر کرد و گفت: قرآن را من تبرک کنم؟ بعد قرآن را بوسید و گذاشت روی میز. زن دو کتاب به سمت رهبر گرفته بود و می‌خواست رهبر امضایشان کند: آقا اینها کتاب‌های شوهرمه، می‌شه به یادگار چیزی بنویسید یا امضا کنید؟ شوهرم عاشق شماست... من فدای شما بشم...

رهبر جواب داد: زنده باشند. سلام برسونید. من اینجا کتاب امضا نمی‌کنم. بعد خداحافظی کرد و از آنجا رفت. زن همچنان قربان صدقه رهبر می‌شد: چه روزی بود امروز، این ثانیه و این دقیقه بهترین لحظات عمرم بود به خدا... الحمدلله... خدارا شکر...

جالب است، امروز چندمین بار است که شکر کردن مردم را می‌بینم. در غرفه پیکان هم رفته‌بودم داخل. فهمیدم رهبر وقتی کتابی را ورق می‌زد، راجع به بیدل و آینه صحبت‌هایی با غرفه‌دار کرد که ظهر تلویزیون هم نشان داد. گزیده موضوعی اشعار فارسی بود. مسئول غرفه بعد از رفتن رهبر به من که داشتیم از غرفه می‌رفتم گفت: آقا این کتاب را پسندیدند، شما بدهید به‌شان. گفتم: باید خودتان که داخل غرفه بودید می‌دادید.

رهبر جایی ایستاد. یک نفر عبایش را بلند کرد و یک نفر دیگر چغیۀ‌ای انداخت روی دوشش و دوباره عبا جاگیر شد روی شانه‌ها اما چهار قدم بعد یک نفر در غرفه «توسعه قلم» چندین و چندبار چغیۀ را گرفت. این اتفاق چند بار دیگر هم افتاد، یعنی چندبار عبای رهبر را اطرافیان مرتب کردند. اصلاً تقصیر ماست که این چیزها را روایت می‌کنیم. باید بنویسیم رهبر چغیۀ را نداد، یکی از محافظ‌ها هم یک پاسخ کوبنده حواله درخواست کننده کرد تا کم‌کم از سر ملت بیفتد که به هر بهانه‌ای چغیۀ از دوش ایشان نکشند، البته اگر بیفتد، به نظرم آن موقع هم مردم صف می‌کشند که پاسخ کوبنده را بخورند برای آنکه تبرکی از رهبرشان بگیرند.

غرفه «تکا» بزرگ بود و فیلم‌بردارها و عکاس‌ها به خاطر جای مناسب حال کردند. غرفه‌دار اطلس تاریخ اسلام را به رهبر نشان داد و نکاتی گفت. دکتر پرویز هم توضیحاتی اضافه کرد. در غرفه تمدن ایرانی ۳ خانم ایستاده بودند که فقط یکی‌شان کارت داشت. معلوم بود دو نفرشان خودشان را چپانده‌اند آنجا که رهبر را ببینند و لابد چغیۀ‌اش را بگیرند. از ایشان پرسیدم و گفتند از راهروی ۲۸ آمده‌اند. پرسیدم از کجا فهمیدید که رهبر می‌آید؟ یکی از آن‌ها که سرزبان‌دارتر بود، گفت: دیشب که گفتند فردا زودتر بیاید، به حس می‌گفت فردا آقا می‌یاد، من هم دیشب اصلاً خوابم نبرد. این دوستم هم خواب دیده چغیۀ آقا رو می‌گیره.

**برای نخستین بار
در نمایشگاه کتاب
تهران طرح «کتاب
گشت» با حمایت
وزارت فرهنگ و
ارشاد اسلامی اجرا
شد**

**رهبر معظم انقلاب،
صبح روز چهارشنبه
۲۲ اردیبهشت با
حضور در نمایشگاه
بیست و سوم و
بازدید از بخش‌های
مختلف آن، از**

**نزدیک عملکرد و
نحوه برگزاری این
نمایشگاه را مورد
بررسی قرار دادند**

و به دوست لاغرترش اشاره کرد که یک کلمه هم نگفت. حتی کتاب‌هایش را هم از غرفه‌شان همراه آورده بود. رهبر که رسید به غرفه‌شان، ما هل داده شدیم داخل غرفه. دختر بعد از صحبت رهبر با مسئول اصلی غرفه همه حرف‌هایی که به من گفته بود را تند تند به ایشان گفت. دختر لاغرتر هم بالاخره یخش آب شد و در حد یک جمله ۴ کلمه‌ای چفیه را درخواست کرد. رهبر گفت: یک چفیه به من بدهید و جواب این بود که تمام شده. رهبر به دختر گفت: می‌بینید که همه را گرفته‌اند، حالا اگر آوردند می‌گویم بدهند. خوش حال بودم که بالاخره یک عملیات چفیه‌گیری ناموفق هم دیده‌ام! رهبر که رفت دیدم دختر رویش را برگردانده و دارد گریه می‌کند، گریه کردنی! دوستش به من گفت: آقا بگید بعداً به این دوست ما چفیه بدن... لطفاً بگین دو تا باشه... نوشتید دو تا باشه دیگه. از دختر لاغرتر پرسیدم: چرا گریه می‌کنی؟ به خاطر دیدن رهبر گریه می‌کنی یا نگرفتن چفیه؟

باز هم دوستش جواب داد: نه بیشتر به خاطر دیدن رهبر خوشحاله.

دختر سرزبان‌دارتر دائم می‌خندید و یک بند از طرف خودش و دوستش حرف می‌زد، ولی دختر لاغر چشم‌هایش قرمز شده بود و صورتش خیس و هنوز هم حرفی نمی‌زد. (نیم‌ساعت بعد که باز هم چفیه آوردند، رهبر گفت یکی از اینها را بدهید به آن دختر خانمی که خواسته بود و تمام شده بود و این‌طور شد که خواب او تعبیر شد.)

غرفه‌دارهای غرفه‌هایی که رهبر بازدید کرده بود یا هنوز به آن‌ها نرسیده بود همه جا به جا اطراف رهبر می‌ایستادند و دورادور و نزدیکانزدیک ایشان را همراهی می‌کردند. که گاهی محافظ‌ها مجبور می‌شدند مؤدبانه خواهش کنند همه بروند سر غرفه خودشان. چقدر هم، همه می‌رفتند سر غرفه خودشان!

در غرفه «حافظ نوین» دو دختر ایستاده بودند، وقتی دیده بودند که روی دوش رهبر چفیه نیست چیزی نگفتند ولی بعد از رفتن رهبر معلوم شد که چفیه را می‌خواستند. در این غرفه رهبر راجع به کتاب طب سنتی سوال کرد: کسی اینها را تجربه هم کرده؟ دختر مانتویی جواب داد: حاج آقا من پارسال خودم از کتاب استفاده کردم، جواب گرفتم.

بعد از رفتن رهبر از غرفه، دختر چادری پرسید: ببخشید نامه‌هایی که بیرون دادیم به اون خانم‌ها، حتماً به دست آقا می‌رسه؟ جواب دادم: به دست خودشان که نه ولی می‌ره واحد ارتباطات مردمی. پرسید: نمی‌شه دست خودتون بدید؟

گفتم: دست خودشان هم بدهید، می‌رود واحد ارتباطات مردمی. می‌دونید چندتا نامه برای ایشون می‌دن در هر برنامه؟ دختر چادری ادامه داد: حتماً جواب می‌دن؟ این بار دختر مانتویی جوابش را داد که: آره بابا. یک بار آقا آمد دانشگاه ما. ۲۰۰۰ تا دانشجو بودیم، اوووو! می‌دونی چند تا نامه دادن به آقا؟ همه را جواب دادن. جواب خود من ۲ ماه بعد آمد.

دیگر احتیاج نبود بمانم برای سوال‌های دختر چادری. یکی

یکی غرفه‌ها را می‌دیدند و اگر در همان چند ثانیه اول غرفه‌دار بحثی شروع نمی‌کرد، رهبر می‌پرسید: خوب شما چی چاپ می‌کنید و این چنین نطق غرفه‌دار که احتمالاً هول شده، باز می‌شد. وقتی نمی‌شنیدم حرف‌های رهبر با غرفه‌دارها را، کم‌کم کلافه شدم. یکی از رفقا پیشنهاد داد بروم در اتاقی که صدای رهبر را بشنوم. در این بازدیدها کسی کنار رهبر حرکت می‌کند و میکروفونی را نزدیک نگه می‌دارد که صحبت‌های ایشان ضبط شود و نمی‌دانستم که می‌شود این صحبت‌ها را جایی خارج از محرابه بازدید گوش داد. البته پیش‌نهاد را قبول نکردم چون که شنیدن کی بود مانند دیدن. بعد متوجه شدم غیر از آن اتاق، هدفونی وجود دارد که متصل است به آن میکروفن. به کسی که آن گیرنده میکروفون را همراه می‌آورد گفتم: حاجی می‌خواهی من بیاورم! و او که شیطنت سوال را دریافته بود، خندید. البته کمی بعد سنگینی دستگاه مجابش کرد به پیش‌نهادم فکر کند. واقعاً زندگی عوض شد. وقتی هدفون را زدم انگار رهبر توی گوشم صحبت می‌کرد. به کسی که دستگاه را می‌آورد به شوخی گفتم: من حاضرم خود شما را هم کول کنم در ازای این لطف.

رهبر رسید به غرفه «خوارزمی» و کمی کتاب‌ها را نگاه کرد و به غرفه‌دار که پسری هم‌سن من بود گفت: آن موقع که ما با خوارزمی بودیم، شما هنوز نبودید... بله در میدان بهارستان بود... چاپ اول چی دارید؟ جواب پسر منفی بود. کتاب‌ها قدیمی و البته معروف بودند. رهبر در غرفه خوارزمی با اینکه کتاب جدید نداشت زیاد ایستاد و همان کتاب‌های قدیمی را تورتق کرد. از غرفه‌دار راجع به فروش کتاب‌ها پرسید و این بار غرفه‌دار جواب داد خوب است. در نشر خجسته رهبر کتابی در باره کتاب‌فروشی‌ها دیدند و گفتند: ببینید در آن کتاب فروشی رحمانیان مشهد را پیدا می‌کنید. یکی دو نفر به رهبر کمک کردند و تند تند ورق زدند ولی چیزی پیدا نکردند. رهبر گفت: آقای شفیع کدکنی از آن موقع، شیخ هادی کتاب‌فروش را فقط آورده است.

پیش خودم فکر کردم این بار که رفتم مشهد یک سرهم بروم دنبال کتاب‌فروشی رحمانیان! رهبر وارد غرفه «دارالکتب الاسلامیه» شد. مرد مسنی را دید و با صمیمیت گفت: سلام علیکم، شما آقا مرتضی هستید؟ سر و موئی سفید کردید... خدا رحمت کند حاج محمد را... از عموتان چه خبر؟ از بچه‌های ایشان کسی در کار کتاب هست؟ پیرمرد سرحال و سرخوش جواب رهبر را داد و گپ مفصلی با هم زدند. آخر سر رهبر گفت: خدا شما را حفظ کند. زحمات خانواده شما در حوزه کتاب‌های دینی فراموش نشدنی است. من مرحوم آشیخ احمد را هم دیده بودم، با پدر بزرگ من دوست بود و گاهی مشهد می‌آمدند. خدا ان‌شاءالله گذشتگان شما را رحمت کند. تعجب کردم از این همه حضور ذهن. من ناهار دیروزم را فراموش کرده‌ام!

در غرفه «دفتر پژوهش‌های فرهنگی» رهبر پرسید: این دفتر برای کجاست؟ غرفه‌دار گفت: وابسته به ارشاد است. غرفه‌دار درباره مجموعه «از تاریخ ایران چه می‌دانیم؟» توضیحاتی داد.



لزومی نداشت خیلی جلو بروم. همین‌ها یک مسالمت ویژه بین من و بچه‌های محافظ برقرار کرده بود. حس می‌کردم دیگر مرا خیلی دوست دارند!

جلوی غرفه «دافوس»، پرویز در جواب سوال رهبر توضیح داد: اگر یادتان باشد ۲ سال پیش یک صحبتی کردید اینجا که خاطرات ارتشی‌ها را از جنگ، خود ارتشی‌ها جمع کنند، ما هم حمایت کردیم و این دوستان خاطرات افسران و فرماندهان ارتش را جمع می‌کنند. رهبر رو کرد به غرفه‌دار و درباره فروش و استقبال سؤال کرد که غرفه‌دار ابراز رضایت کرد.

رهبر در غرفه شعر جوان دیوان سلمان هراتی را دید. کتابش را برداشت و با حسرت گفت: سلمان هراتی، خدایم‌زادش. همین موقع آن بنده خدایی که هدفون را به من داده بود آمد. فکر کردم می‌خواهد آن را بگیرد ولی رفت سراغ آن یکی دستگاه دیگر که باید نوارش را عوض می‌کرد. حدود ساعت ۱۲ بازدید قسمت پایین تمام شد و رهبر رفتند غرفه یکی از انتشارات‌هایی که بزرگ‌تر بود، برای چند دقیقه‌ای استراحت. محافظ‌ها هم جلوی جماعت را که حالا زیاد شده بودند گرفتند که: آقا نمی‌خواهد بازدید کند و می‌خواهد استراحت کند. محافظ‌ها حتی غرفه‌دارهای آن انتشارات را هم بیرون فرستاده بودند. خود رهبر البته گفت مسئول غرفه را بیاورند. حواسش بود که اینجا مهمان غرفه است. کنار رهبر، پرویز و وزیر ارشاد و مسئول اجرایی بیت و بعضی دیگر از مسئولین هم بودند. مسئول غرفه کنار رهبر ایستاده بود و یکی یکی کتاب‌های نشرشان را به رهبر نشان می‌داد. همین موقع برای رهبر چای هم آوردند. در استکان‌های کوچک کمر باریک، رهبر قندی توی دهان

رهبر درباره مجموعه سئوالاتی پرسید و غرفه‌دار جواب داد. چه کسی آن را درمی‌آورد؟ چند جلد درآمده؟ چند جلد مانده؟ رهبر گفت: خوبه اگر خوب انتخاب کنند... آقای حسینی دقت می‌کنید؟ اگر موضوع را خوب انتخاب کنند، کار بسیار جالبیه. دکتر پرویز گفت: ۲ سال پیش آمدند و مفصل راجع به طرح صحبت کردیم و گفتیم اگر سرفصل‌ها خوب باشد حاضریم حمایت کنیم که البته دیگر نیامدند. از غرفه که بیرون آمدند رهبر به پرویز گفت: این‌ها وابسته به شما نیستند که؟ پرویز گفت: نه. رهبر ادامه داد: ولی غرفه‌دار خلاف این را گفت.

نشر «دژ» پر بود از کتاب‌های عامه‌پسند داخلی. فروش خوب لایب و سوسه‌شان کرده بود بروند کتابی را از هندی‌ها ترجمه کنند تا خلق‌اللهی که فیلم هندی را می‌پسندند، لایب کتابش را هم بخوانند. رهبر ولی گفت: ما از هندی‌ها کار درست و حسابی ندیدیم.

خود غرفه‌دار هم گفت: ما هم ندیدیم! اسم مترجم توجه رهبر را جلب کرد و گفت: این آقا البته مترجم خوبی است. در غرفه «دبیزش» رهبر بعد از سلام و علیک گفت: دبیزش یعنی چی؟ غرفه‌دار گفت: به فارسی دری یعنی سندرایی.

- این «شین» آخر پس شین اسم ساز است؟
- بله.

- پس دبیز یعنی سند... آفرین! اسم قشنگی است.

مسأله من با تیم حفاظت بعد از زدن آن هدفون به گوشم، حل شد. دیگر به نظر آدمی می‌رسیدم که بسیار مهم است و کار بسیار مهمی انجام می‌دهد. از طرفی چون صدای رهبر را می‌شنیدم

گذاشتند و جای را سر کشیدند بالا. امامی گزارش گر صدا و سیما با هماهنگی مسئول اجرایی بیت آمد و ایستاد کنار رهبر. من هم به لطف این دستگاه و هدفونش صداها را واضح می شنیدم و احتیاج نبود بروم جلو. امامی در فرصتی گفت: شما عرصه کتاب را عرصه جهاد دانسته اید، لطفاً در یکی دو جمله توصیه ای در این مورد بفرمایید. رهبر که معلوم بود از ماجرای مصاحبه خبر نداشت، گفت: پریروز در جلسه کتاب دا گفتم به اندازه کافی. امامی اصرار کرد یکی دو جمله تبرکاً. رهبر هم گفت: خواندن کتاب جزء کارهای اصلی ماست! باید بفهمیم و باور کنیم. اگر جزء کارهای اصلی باشد طبعاً خودش را در برنامه های اصلی زندگی جا می دهد، در کارهای اصلی زندگی هم هیچ کاری مانع کار دیگر نیست ... باید با کتاب انس پیدا کرد. امامی فرصت طلبی کرد و پرسید: نمایشگاه را چطور دیدید؟ رهبر جواب داد: این قدری که من دیدم خوب بود. کتاب های چاپ اول زیاد بودند. امامی باز هم ادامه داد: می تونم بپرسم آخرین کتابی که خواندید چه بوده؟ و رهبر هوشمندانه گفت: من کتاب های زیادی می خوانم و خوانده ام ولی دیگر نپرسید آخری چه بود. امامی خوشحال و پیروز برگشت. (این مصاحبه را ظهر هم از تلویزیون دیدم.) مسئول غرفه که پسر جوانی بود از رهبر تشکر کرد و گفت مزین فرمودید غرفه ما را. پرویز برای رهبر صحبت هایی کرد که صدایش را نشنیدم. بعد هم رهبر چند کلمه گفت که: «بالاخره مسأله کتاب، مسأله مهمی است؛ درباره مشکلات حوزه کتاب حرف هایی شنیدم که برای من بعضی تازه بود. دیدم اینها حرف های درستی است و ما هم نشنیده ایم. به نظرم باید دل داد به کسانی که حرفی دارند در زمینه کتاب، و مسائل کتاب را حل کرد... ما عقیبم، اگر این وضعیت فعلی را مقایسه کنیم با زمان ما، بله هیچ قابل مقایسه نیست؛ اما در عین حال خیلی عقیبم. دیگر تیراژ دوهزار و سه هزار جلد اصلاً معنی ندارد... از طرفی هم من قدری نگرانم که کتاب خریدن تبدیل به یک پز بشود، کتاب را بخرند و ببرند و بگذارند در ویترین! کاری باید کرد که کتاب خوانده شود.» چند دقیقه بعد رهبر بلند شد و از چند غرفه دیگر از جمله غرفه ای که مخصوص نشر خاطرات سیاسی بود، بازدید کرد. ساعت را از کسی پرسید. نزدیک دوازده و نیم بود، چون تا اذان چیزی نمانده بود مطمئن بودم خواهد رفت و همین طور هم شد.

رئیس جمهور امسال هر چند به دلیل فشردگی کار نتوانست از نمایشگاه بازدید کند اما با حضور و سخنرانی در مراسم اختتامیه نمایشگاه بار دیگر عزم و اهتمام خود در باره کتاب و کتاب خوانی و آمادگی دولت برای از میان برداشتن موانع را به نمایش گذاشت. وی با توصیف کتاب به عنوان «بهترین رابط بین اندیشه ها، دلها و فرهنگ» گفت: «هیچ چیزی نمی تواند جای کتاب را پر کند. البته در نفس کتابت یک لطافتی وجود دارد و کتاب اندیشه را ماندگار کرده است.»

وی با بیان اینکه ریشه مشکلات جامعه بشری دریافت های فرهنگی و فکری است، گفت: تا فضای فرهنگی جهان اصلاح نشود

مناسبات سیاسی و اقتصادی جهان اصلاح نخواهد شد، دکتر احمدی نژاد گفت: «قطعاً ملتی می تواند فضای فرهنگی جهان را اصلاح کند که از ذخایر، داشته ها و عمق کافی برای تولید و انتشار فرهنگی و پاسخگویی مناسب و اساسی به نیازهای بشر برخوردار باشد.»

رئیس جمهور در ادامه خطاب به نویسندگان و ناشران گفت: «شما مجاهدان خط مقدم فرهنگ انسانی هستید. باید قدر خود را بدانیم و دانستن این قدر آن است که هم ماموریت ها و هم ظرفیت ها را بشناسیم. البته ظرفیت ها هم بی پایان است و ولی موانعی وجود دارد گرچه باید تلاش کنیم و آنها را حل کنیم ... ظرفیت و توان انسان آنقدر بالا است که به همه موانع عالم غلبه خواهد کرد.»

رئیس مجلس که برای شرکت در مراسم رونمایی از کتاب دیجیتالی آیت الله جوادی آملی به نمایشگاه بین المللی کتاب تهران آمده بود، پس از بازدید کوتاهی از نمایشگاه کتاب، تأثیر برگزاری چنین نمایشگاهی را در مانوس شدن مردم با کتاب زیاد ارزیابی کرد. وی درباره بودجه فرهنگی امسال گفت: امسال در بودجه فرهنگی کشور گام های بزرگی برداشته شده است و سرمایه گذاری زیادی در حوزه های مختلف فرهنگی در نظر گرفته شده است که از جمله آنها ترویج فرهنگ کتابخوانی نیز می باشد. لاریجانی درباره تأثیرات نمایشگاه بین المللی کتاب بر ایجاد رابطه فرهنگی بین مردم کشورمان و سایر کشورهای دنیا گفت: البته نمایشگاه بین المللی کتاب ارتباطات خوبی در این زمینه برقرار می کند؛ هر چند که با وجود امکانات جدید ارتباطی، این نوع ارتباطات گسترده تر شده است. البته ارتباط بین دانشگاه های کشورمان با دانشگاه های دیگر.

حجت الاسلام علی اکبر رشاد، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رییس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نمایشگاه کتاب را باشگاهی برای تلاقی اندیشه ها معرفی کرد و بر لزوم سرمایه گذاری ویژه در نهضت ترجمه و برگردان افکار به زبان های زنده دنیا تأکید کرد. وی با تأکید بر اهمیت حضور ناشران خارجی در نمایشگاه بین المللی کتاب، این اتفاق را موجب دسترسی نخبگان و اهل قلم به آثار و افکار ملل مختلف دانست.

لطف الله فروزنده معاون توسعه نیروی انسانی رئیس جمهور، بخش فرهنگ و نشر را به عنوان اولویت نخست دولت دهم معرفی کرد و گفت: امسال برنامه ها و موضوعات متفاوت و نوینی در حوزه نشر داریم که از سوی هیئت دولت اعلام خواهد شد.

دکتر حداد عادل رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی: مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کار نویسنده و ناشر را آسان تر می کند. وی گفت: این مصوبه شفاف، فعالیت نویسندگان را مشخص تر و آسان تر کرده و به دست اندکاران حوزه نشر در بررسی کتاب ها نیز یاری می رساند.

علی اکبر اشعری، مشاور فرهنگی رییس جمهور گفت: نویسندگان آئینه افکار و اندیشه ملت ها هستند و آن چه از جامعه الهام می گیرند، در قالب نوشتار در می آورند، بنابراین حضور



رییس بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور پر تعداد مردم در نمایشگاه را نشان از رغبت مردم به کتابخوانی دانست

امسال بیش از ۵ میلیون نفر از این نمایشگاه بازدید کردند و بر اساس آمارهای بدست آمده، امسال ۵۵ درصد شهروندانی که از نمایشگاه دیدن کردند، از شهرستان‌های سراسر کشور بودند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه از مساعدت‌های رییس جمهوری برای برگزاری نمایشگاه کتاب تشکر کرد و افزود: امسال نویسندگان، صاحب قلمان و ادیبان صاحب نامی در نمایشگاه کتاب حضور یافتند و در نشست‌های ادبی و برنامه‌های سرای اهل قلم حاضر شدند و با مردم از نزدیک گفت‌وگو کردند که مایه افتخار است.

دکتر محمود احمدی نژاد، رییس جمهور، در این آیین، با اعلام آمادگی دولت برای اصلاح و توسعه شبکه توزیع کتاب، گفت: نباید کسی که مأموریت پیدا می‌کند فکر و علم را در جهان منتشر کند، در پیچ و خم مشکلات چاپ و نشر گرفتار شود. دولت در این زمینه نیز آمادگی دارد تا با اعطای وام‌های قرض‌الحسنه از مؤلفان و ناشران حمایت کند.

وی با بیان این که ملت ایران به دلیل در اختیار داشتن ذخایر بزرگ علمی و فرهنگی می‌تواند عهده‌دار تولید و انتشار فرهنگ متعالی و پاسخگویی به نیازهای بشر باشد، افزود: اگر اندیشه‌های متفکرانی چون فردوسی، خیام، مولوی، حافظ و سعدی را در یک سو و تمام اندیشه‌های مادی‌گرای جهان را در سوی دیگر قرار دهیم، اندیشه متفکران ایرانی بهتر حقیقت را معرفی کرده و کرامت انسانی را کامل تر پاس می‌دارند.

رییس دولت دهم با اشاره به ۲۵ اردیبهشت ماه، روز بزرگداشت فردوسی، این شاعر بزرگ را تنها متعلق به یک جغرافیا

معاون امور فرهنگی در پایان به حمایت دولت‌های جهان از بخش فرهنگ اشاره کرد و از رییس جمهوری خواست با توجه ویژه به کارخانه‌های تولید کاغذ، برای کاهش قیمت کاغذ اقدام شود. وی با تأکید بر اینکه بخش فرهنگ در همه جای جهان از حمایت‌های دولتی برخوردار است، از رییس جمهوری خواست با توجه ویژه به کارخانه‌های تولید کاغذ، مشکلات گران بودن کاغذ را تا حدودی مرتفع کند.

سپس دکتر حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و در پایان دکتر محمود احمدی نژاد درباره کتاب و فرهنگ و مسئولیت جهانی ناشران و نویسندگان سخن گفت.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار داشت: بعد از آنکه لبخند رضایت بر چهره مقام معظم رهبری در بازدید از نمایشگاه نمایان شد، خستگی کار از تن همکاران ما در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مسئولان مصلا و سایر همراهانمان در برگزاری این نمایشگاه بیرون شد.

حسینی با ابراز تسلیم به مناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا(س)، اسوه مسلمانان و زنان جهان، به بازتاب اخبار نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران اشاره کرد و افزود: در مطبوعات جهان اخبار مختلفی درباره نمایشگاه کتاب مطرح شده و افراد مختلفی درباره آن اظهار نظر کرده‌اند. به عنوان مثال نماینده نمایشگاه فرانکفورت، نمایشگاه کتاب تهران را غیرقابل مقایسه با سایر نمایشگاه‌های کتاب می‌داند.

دکتر محمدحسینی با اشاره به این که نمایشگاه کتاب تهران یکی از بزرگترین رویدادهای فرهنگی ایران است، گفت:

و ملت ندانست و گفت: روح حاکم بر مکتب و اندیشه فردوسی عدالت‌جویی است و ارزش‌های مطرح‌شده در شاهنامه در ابعاد جهانی قابل طرح و اجرا هستند.

دکتر احمدی‌نژاد، در بخش دیگری از سخنان خود با انتقاد از برخی نظریه‌های مادی‌گرا و غیرانسانی مطرح‌شده در غرب تصریح کرد: در یک دوره زمانی نظریه تنازع بقاء، تئوری مورد نظر جهانی بود و این نظریه چه بلاها و مصیبت‌هایی که بر سر ملت‌ها نیاورد. اومانیسیم و لیبرالیسم به چپاول ملت‌ها انجامید و استعمار برده‌داری را در جهان تسری داد.

وی با بیان این که امروزه در دنیای غرب، اندیشمندان مستقل سرکوب می‌شوند، تأکید کرد: مأموریت بزرگ ملت ایران تبیین و شفاف‌سازی فرهنگ انسانی و متعالی در جهان است و در دنیا هیچ مأموریتی بزرگ‌تر از این وجود ندارد؛ مأموریتی که همان مأموریت انبیاء (ع) است.

احمدی‌نژاد، فرهنگ را فضای تنفس روح انسان دانست و افزود: اگر ملتی قصد می‌کند که در مدیریت جهانی نقش مؤثر و ماندگار داشته باشند، باید فضای فرهنگی جهان را از آن خود کنند. رییس‌جمهور، در بخش دیگری از سخنرانی خود، وجه اصلی و مأموریت دولت دهم را بیش از هر حوزه دیگر در حوزه فرهنگ دانست و افزود: اگر ناشران آماده باشند می‌توانیم کارخانه‌های بزرگ چاپ و نشر دایر کنیم و مدیریت آن را به عهده ایشان بسپاریم. در این مسیر تا آنجا که قانون اجازه بدهد، وام کم بهره اعطا کرده و مدت زمان بازپرداخت آن را هم طولانی تر می‌کنیم. رییس‌جمهوری، با بیان این که ۱۵۰ سال در کشور کتاب‌های کم اثر و کم فایده ترجمه شده و باید عقب‌ماندگی ناشی از این سال‌ها جبران شود، افزود: ما از هر اندیشه انسانی که در جهان تولید می‌شود، استقبال می‌کنیم و این کتاب‌ها باید در کشور ترجمه شوند، اما مؤلفان ایرانی می‌توانند از اقیانوس بی پایان معرفت و علم و فرهنگ ایرانی، دنیا را از هر اندیشه دیگر مستغنی کند.

وی به تدوین ضوابط جدید نشر در شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره کرد و گفت: این ضوابط به منظور حمایت هر چه بیشتر از مؤلفان و ناشران تدوین شده که بخشی از تکلیف ما را به جامعه فرهنگی ادا می‌کند.

دکتر محمود احمدی‌نژاد، رییس‌جمهور، همچنین پیشنهاد کرد در معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دفتری ویژه در سطح بین‌المللی برای پیگیری نشر و فرهنگ ایرانی در جهان دایر شود.

آنها که برگزیده نمایشگاه بیست و سوم شدند

در مراسم اختتامیه اسامی ناشران برگزیده سال ۱۳۸۸ شامل ناشران خصوصی تهران، شهرستان، وابسته به نهادهای دولتی و عمومی، بخش کودک و نوجوان، بزرگسال و بخش ویژه اعلام شد. هیئت داوران بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، پس از بررسی و ارزیابی آثار ناشران راه یافته به مرحله

نهایی و توجه به شاخص‌های مصوب در دستورالعمل، ناشران برگزیده سال ۸۸ را معرفی کردند.

کیفیت آثار تالیفی، تعداد عناوین چاپ اول، تنوع آثار، توجه به مخاطبان خاص، تناسب کتاب‌های منتشرشده با نیازهای علمی و فرهنگی و ارزش‌های دینی و ملی جامعه، حسن شهرت در بین مؤلفان، مترجمان و جامعه فرهنگی کشور، رعایت اصول فنی چاپ و داشتن آثار برتر در جشنواره‌های معتبر علمی و فرهنگی کشور، شاخص‌های داوری و انتخاب بوده‌اند.

هیئت داوران در حوزه ناشران بزرگسال، بخش ناشران خصوصی تهران، انتشارات «سخن» را به دلیل تعدد و تنوع آثار، کیفیت آثار از نظر رعایت اصول فنی چاپ، حسن شهرت در میان مؤلفان، مترجمان و جامعه فرهنگی، داشتن آثار ممتاز در جشنواره‌های معتبر علمی و فرهنگی کشور، معرفی کرد.

همچنین انتشارات «نوید شیراز» و «موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)» به صورت مشترک از سوی هیئت داوران به عنوان ناشران بخش خصوصی شهرستان در حوزه بزرگسال معرفی شدند.

عنوان برگزیده ناشران وابسته به نهادهای دولتی و عمومی بخش بزرگسال در سال ۸۸، به صورت مشترک به سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی «سمت» و «سوره مهر» اختصاص پیدا کرد.

در حوزه ناشران کودک و نوجوان نیز انتشارات «قدیانی» با توجه به تناسب آثار منتشرشده با نیازهای علمی و فرهنگی جامعه، عنوان ناشر برگزیده این حوزه در بخش خصوصی تهران را از آن خود کرد.

در بخش ناشران خصوصی شهرستان و وابسته به نهادهای دولتی و عمومی حوزه کودک و نوجوان، به ترتیب، «عروج اندیشه» به دلیل تعداد عناوین چاپ اول، تنوع و تعدد آثار منتشره، توجه به آثار تالیفی به خصوص در حوزه دین، حسن شهرت در بین مؤلفان، مترجمان و جامعه فرهنگی به خصوص در سطح استان، رعایت اصول فنی چاپ، توجه و استفاده از آثار تصویرگران داخلی و نیز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به دلیل داشتن تعداد عناوین چاپ اول، توجه به نیاز مخاطبان خاص به خصوص نابینایان، استفاده از تصویرگری داخلی با رویکرد بومی و ملی، توجه به تالیف، داشتن آثار ممتاز در جشنواره‌های معتبر علمی و فرهنگی کشور به عنوان برگزیده معرفی شدند.

انتشارات «براق» نیز به دلیل توجه به تصویرگری بومی و فعالیت در حوزه چاپ و نشر بین‌الملل شایسته تقدیر شناخته شد.

در بخش ویژه «تاریخ و ادبیات پایداری حماسه بزرگ دفاع مقدس» نیز هیئت داوران، انتشارات «موسسه فرهنگی روایت فتح»، «صریر» و «سوره مهر» را به دلیل آنکه با تولید آثار ارزشمند و وزین، یاد و خاطره‌های ماندگار دوران دفاع مقدس را در متن زندگی فردی، اجتماعی و آحاد جامعه مورد توجه قرار داده‌اند، به عنوان ناشر برگزیده این بخش معرفی کرد.

احمدی‌نژاد، فرهنگ

را فضای تنفس

روح انسان دانست

و افزود: اگر ملتی

قصد می‌کنند که

در مدیریت جهانی

نقش مؤثر و ماندگار

داشته باشند، باید

فضای فرهنگی

جهان را از آن خود

کنند

در مراسم اختتامیه

اسامی ناشران

برگزیده سال ۱۳۸۸

شامل ناشران

خصوصی تهران،

شهرستان، وابسته

به نهادهای دولتی

و عمومی، بخش

کودک و نوجوان،

بزرگسال و بخش

ویژه اعلام شد